ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران
بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس جمهوری دموکراتیک ویت نام

کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام !

رفقای عزیز !

کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و تمام اعضای حزب ما بیست و پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام را بشما و توسط شما بتمام خلق قهرمان ویتنام صمیمانه و برادرانه شادباش میگوید.

تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام واقعهٔ دارای اهمیت تاریخی عظیم بود. مردم ویتنام تحت رهبری حزب پر افتخار زحمتکشان ویتنام و پیشوای بزرگ آن هوشی مین در کلیه شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به کامیابیهای درخشان نائل آمدند.

پیکار قهرمانانه مردم ویتنام علیه متجاوزان امریکائی به جنبش آزادی بخش ملی سراسر جهان نیروی تازه ای بخشیده است. نیروی جنگی عظیم امپریالیسم امریکا در برابر اراده آهنین خلق قهرمان ویتنام زبون از کار درآمد. رزمندگان ویتنام که از کمك و پشتیبانی مادی و معنوی بیدریغ اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی و از پشتیبانی تمام جامعه ترقیخواه بشری برخوردارند ضربات درهم شکن بر امپریالیسم امریکا و دست نشاندگان سایگونی

دنباله در صفحه ۷

«ملت مسئول»

در تیر ماه سال جاری روزنامهٔ «اطلاعات» که سخنگوی غیر رسمی رژیم است یك سلسله سر مقاله تحت عناوین پر طمطراق نگاشته است. نه تنها این عناوین بلکه محتوی آنها نیز نظر را جلب میکند.

از آنجمله است سرمقاله‌هائی تحت عنوان «ملت مسئول و مسئولیتهای ملی»، «رهبران وملتها و نقش هر کدام در ساختن تاریخ»، «مفاهیم کهنه در جامعهٔ نوین» (۱) این سر مقاله ها علی رغم ظاهر باصطلاح «ژرف اندیشانه» و «علمی» آنها از انواع احکام سفسطه آمیز و عامیانه در یك سلسله از مسائل سیاسی و اجتماعی اشباعست که ما قصد نداریم وارد بحث با آن مطالب بشویم (۲) هدف ما از این نوشته بررسی یك نکته مرکزی است که در مقالات نامبرده با الحان مختلف تکرار شده است و آن اینکه، دیگر وقت آن رسیده است که ملت مسئول ما مسئولیت های ملی را بعهده گیرد. اجازه دهید عین احتجاجات اطلاعات را نقل کنیم:

اطلاعات مینویسد:

«برای آنکه ایران جاودانه در مسیری که با این جهش انقلابی آغاز کرده است پیش برود و دیگر باره دستخوش توقف و رکود نشود باید ملت ایران خود را هرچه بیشتر نسبت بانقلاب و نسبت بسر نوشت مملکت مسئول حس کند... همانطور که شاهنشاه ما با آن دید وسیع و از چشم انداز یك رهبر دور اندیش عاقبت بین، بآینده می نگرند و میفرمایند «بهرحال فرد فانی است» و برای آنکه مملکت باقی بماند نباید مطلقاً بفرد وابسته و متکی باشد وقت آن رسیده است که مردم ایران بعنوان یك ملت مسئول وظائف و مسئولیتهای خود رادر قبال مسائل ملی زمان خودشان دریابند و در تعیین سر-نوشت مملکتشان سهیم شوند.»

و در جای دیگر:

«همه چیز در این سر زمین بوجود یك ملت مسئول بستگی دارد. ملتی که افراد آن یکایك خود را نسبت بمسائل مملکت و سیر تاریخی جامعه خودشان مسئول حس کنند...»

دنباله در صفحه ۲

باز هم هشدار میدهیم

در کنگره اخیر فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان غربی رسماً از طرف هیئت دبیران کنفدراسیون اعلام شد که فیروز فولادی همکار سازمان امنیت است. او بهمین علت از کنفدراسیون اخراج شد.

فیروز فولادی کیست؟ این شخص را دانشجویان ایرانی در کشور های غربی میشناسند. او یکی از «رهبران» گروههای مائوئیستی بود. او یکی از دبیران سابق کنفدراسیون بود. او یکی از پر حرارت ترین و کینه توزترین کسانی بود که روش ضد توده ای و ضد شوروی را در لباس «انقلابی» در جنبش دانشجوئی دنبال میکرد. اکنون معلوم شده که این آقای «انقلابی» همکار سازمان امنیت است!

حقیقتی که بار دیگر ثبوت میرسد

ما بارها گفته ایم (ازجمله در ماهنامه مردم اسفند ۱۳۴۵، ماهنامه مردم فروردین ۱۳۴۸، جزوه ما و کنفدراسیون آسیان

دنباله در صفحه ۷

درباره خلیج فارس

با افتادن حکومت در انگلستان بدست حزب محافظه کار مسئله خلیج فارس بار دیگر در برنامه روز کشورهای مجاور خلیج فارس و انگلستان قرار گرفته است. بطوریکه معلوم است این حزب قبل از تجدید انتخابات در انگلستان اعلام داشت که اگر پیروز شود تصمیم دولت «کارگری» را مبنی بر خروج نیروهای انگلیس از مناطق ماوراء سوئز در سال ۱۹۷۱ لغو خواهد کرد. هیئت سر دسته حزب محافظه‌کار و نخست وزیر فعلی انگلستان در سال پیش ضمن مسافرت بایران و مناطق خلیج مخالفت خودرا با خروج نیرو های انگلستان از این منطقه بعنوان تقاضای «دوستان و متحدان» خود در خلیج فارس صریحاً اعلام داشت. اینك محافظه کاران به حکومت رسیده‌اند و باید سیاست خود را در این مسئله روشن سازند. از اظهارات ملکه انگلستان هنگام گشودن پارلمان انگلستان در باره خلیج فارس و هیوم وزیر خارجه انگستان پس از ملاقات با شاه ایران در ۱۹ تیر ماه در بروکسل و بویل معاون وزارت خارجهٔ انگلستان چنین بر میآید که حکومت محافظه کار باوضع نوینی در خلیج فارس مواجه شده است. این وضع جدید از آنجا ناشی است که حکومت ایران، عربستان سعودی و کویت یعنی سه کشور که مجموعاً ناحیه بزرگی از خلیج را مالکند رسماً اعلام داشته اند که با حضور نیروهای انگلیس در خلیج مخالفند.

شاه ایران و نخست وزیر مکرر این مطلب را تصریح کرده اند و وزیر خارجه کویت پس از مسافرت زاهدی بکویت اعلام داشت که «حکومت کویت با باقیماندن نیروهای نظامی انگلیس در خلیج فارس موافقت نخواهد کرد و این مسئله را بدولت بریتانیا اطلاع داده است.» همچنین شقاف وزیر امور

دنباله در صفحه ۳

نیم قرن مبارزه دشوار

روزنامه «رودیرابوه» ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی در شماره ۲۴ ژوئن سال ۱۹۷۰ خود بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران مقاله ای تحت عنوان «نیم قرن مبارزه دشوار» منتشر کرده است که ما ترجمه آنرا از نظر خوانندگان عزیز میگذرانیم:

روز ۲۲ ماه ژوئن سال جاری پنجاه سال ازتأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد. در کنگره سوسیال دموکراتهای ایران که در بندر انزلی (پهلوی کنونی) در ساحل بحر خزر تشکیل شده بود، این حزب به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد. این کنگره در دوران اعتلای پر توان جنبش انقلابی تحت تأثیر پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

دنباله در صفحه ۵

پرچم نبرد انقلابی را برافراشته نگهداریم

ضعف و تسلیم طلبی گروهی از مائو-ئیست ها بحث وسیعی را در بین اپوزیسیون ضد رژیم برانگیخته و واکنشهای گوناگون و گاه متضادی را موجب شده است. روشن است که این توجه و این واکنشها بخاطر «شخصیت» تسلیم طلبان نیست، بلکه بعلت سیاست و روشی است که آنها در گذشته داشته اند و این سیاست و روش هنوز هم از جانب عده ای دنبال میشود. و درست بهمین جهت ما هم لازم میدانیم که به بررسی این واکنشها بپردازیم.

ضعف و تسلیم طلبی توجه پذیر نیست

مائوئیستها که در آغاز میکوشیدند تسلیم طلبی دوستان خود را منکر شوند و حتی بدفاع از تسلیم طلبان پرداختند وقتی دیگر فرار از واقعیت سرسخت امکان پذیر نبود، نغمه دیگری سر دادند: گفتند که تسلیم طلبان زیر شکنجه ضعف نشان داده‌اند و از هر کسی انتظار مقاومت نباید داشت، مائوئیستها مستقیم و غیر مستقیم وانمود کردند که ضعف و تسلیم در برابر فشار توجیه پذیر است.

روشن است که درجه مقاومت افراد در برابر فشار گوناگون است. ولی مگر مائوئیستها از تسلیم طلبان «قهرمان» ساخته

بقیه در صفحه ۶

تسلیت

با نهایت تأسف از درگذشت بانو صفیه اسکندری مادر گرامی رفیق ارجمند ما ایرج اسکندری دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران اطلاع یافتیم. بدینوسیله از طرف هیئت تحریریه برفیق اسکندری صمیمانه تسلیت میگوئیم.

«مردم»

دنباله از صفحه ۱

«ملت مسئول»

بدین ترتیب روزنامهٔ رسمی و نزدیك بمحافل دربار از آن صحبت میکند که « وقت آن رسیده است » که مردم در تعیین سر نوشت کشور سهیم شوند و خود را نسبت به مسائل و سیر تاریخی جامعه مسئول حس کند زیرا فرد یعنی شاه فانی است و این ملتست که جاوید و برقرار است .

اطلاعات در واقع با جملهٔ مملکت « نباید قطعاً به فرد وابسته و متکی باشد » بوجود حکومت فردی و مطلقه در شرایط کنونی تلویحاً اعتراف میکند ولی بهر جهت جملهٔ او محتوی این نظراست که دوران چنین حکومت فردی و مطلقه ای بسر رسیده است !

ما در بارهٔ اینکه « وقت آن رسیده است » و یا همیشه این امر میبایست تحقق یابد و لااقل از مبداء انقلاب مشروطیت قانون اساسی با خاتمه دادن بسلطنت مطلقه و اعلام اینکه همهٔ قوای مملکت ناشی از ملت است رسیدن این وقت را بیش از شصت سال پیش اعلام داشته ، بحثی نمیکنیم و از همینجا آغاز میکنیم که آیا رژیم کنونی برای تحقق امری که وقت آن رسیده است چه کرده و چه میکند ؟

آیا درکشوری که آزادی احزاب و اجتماعات و مطبوعات نیست ، انتخابات آزاد رؤیائی بیش نیست ، حق انتقاد و ابتکار وبروز آزادانه افکار و ارادهٔ مردم واقعیت خارجی ندارد ، چگونه میتوان ملت را آنطورکه اطلاعات میگوید « درتعیین سرنوشت کشور » سهیم کرده‌اوراباصطلاح این روزنامه « مسئول سیر تاریخی جامعه » دانست ؟ آیا در کشوری که شبکهٔ خرچنگی ـ ساواك ـ همه جا را در قبضه گرفته ، حکومت فردی جانشین اصول مشروطیت شده ، دادگاههای نظامی با نقض همه مقررات عادی دادرسی احکام غلاظ و شداد صادر میکنند ، دستگاه بوروکراتیك متفرعن و ضد خلقی بر جامعه حکمرواست چگونه میتوان دم از « ملت مسئول » زد ؟ آیا احزاب ساخت دولت ، مجلسهای ساخت ـ ساواك ـ ، مطبوعات کنترل شده و فرمایشی میتوانند ارگانهای مسئولیت عمومی و شرکت عمومی در سرنوشت کشور باشند ؟

در قبال این واقعیات تلخ ، آن جملات پر طنطنه چه معنائی دارد ؟

یکی از شرایط مقدماتی تأمین شرکت ملت در سرنوشت خود اجراء موازین قانون اساسی و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در مورد آزادیها وحقوق دموکراتیك مردم‌است. فقط در این صورتست که سازمانهای سیاسی واقعی مردم به فعالیت دست میزنند و در جریان یك انتخاب آزاد مجلسی که دیگر مجمع مأموران ـ ساواك ـ نیست پدید میآید و دولت تحت کنترل ولو نسبی افکار عمومی قرار میگیرد و بدینترتیب دخالت مردم در سرنوشت تا حدی محلی از اعراب میابد .

واقعیات روزمره نشانه‌ای از تغییرروش مستبدانه و خود سرانه رژیم با خود ندارد . در همین روزها که این سطور نوشته میشود عده ای از نویسندگان و شاعران را بجرم آن که میخواستند اتحادیه مستقل خود را داشته باشند بازداشت کردند و عده ای از روحانیون حوزه علمیه قم‌را بزندان انداختند و آیت الله سعیدی را بگناه داشتن نظریاتی که مطبوع ـ ساواك ـ نبود در زیر شکنجه کشتند . این واقعیات تنها آخرین خطوط از یك فهرست بسیار طولانی تبهکاریهائیست که رژیم موجود از آغاز استقرار خویش مرتکب شده است .

برای آنکه بعث در مرحلهٔ پندارهای باطل در بارهٔ نیات رژیم نمانیم خوبست از شاه در بارهٔ درك او از دمکراسی نقل قول بیاوریم. وی در پیام اخیر خود بمناسبت سالروز مشروطیت در واقع پروسهٔ « دمکراسی ارشادی » را توضیح میدهد و چنین میگوید :

« میدانیم دمکراسی واقعی قبل از هر چیز متکی به رشد و آمادگی روحی افراد برای قبول مسئولیتهای فردی و اجتماعی است و تا وقتی‌که افراد یك ملت از چنین رشد و آمادگی فکری بر خوردار نباشند ، دمکراسی در آن‌مملکت جز عنوان ظاهری و بی مسما نمیتواند بود .»

روش رژیم عملا و صریحاً نشان میدهد که وی عقیده ندارد که ملت ایران (که یکی از نخستین انقلابهای بورژوا ـ دمکراتیك آسیا را انجام داده است) تاکنون نیز پس از گذشت تقریباً ۶۰ سال از رشد و آمادگی فکری بر خوردار باشد . طرح مسئلهٔ « رشد و آمادگی فکری » برای دمکراسی و مقایسهٔ آن با سیاست ضد دمکراتیك دولت استنتاج دیگری را در این زمینه مجاز نمیکند . اتفاقاً پرویز نیکخواه « انقلابی » سابق که این اواخر خود را تا مقام پر افتخار « منادی رژیم » ارتقاء داده در پاسخ به « کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی خارج از کشور » مطالب را بی‌پرده مطرح میسازد و مینویسد :

«در جائی دیگرمدعی شده اید که من گفته ام در ایران دمکراسی سیاسی به شیوه کشورهای غربی وجود دارد . خیر من گفته ام استقرار دمکراسی سیاسی بشیوهٔ کشورهای غربی برای ایران در این مرحله از تحول جامعه صنعتی و کشاورزی سم است و همچنان که شاهنشاه در این مورد تذکر داده اند تنها از طریق رشد اقتصادی و فرهنگی میتوان در کشور رو به توسعه با سابقه ای چون سابقهٔ کشور ما به دمکراسی واقعی سیاسی رسید . رایت دمکراسی‌خواهی را اینك بر افراشتن ، آنهم بشیوه کشورهای غربی ، دقیقاً عبارتست از رایت کیسه دوزی و غارت مردم بشیوه ای دیگر .»

این عنصر تسلیم طلب عبارات اربابان نو گزیدهٔ خود را روشن تفسیر کرده است ؛ دمکراسی سیاسی برای ایران سم است زیرا باید در ابتدا رشد اقتصادی و فرهنگی حاصل شود و امروزه مطالبه دمکراسی « کیسه دوزی » برای غارت مردم است !

شخص متحیر میماند با این بیانات صریح دستگاه ، سر مقاله نویس اطلاعات از « ملت مسئول » و « شرکت ملت در سر نوشت کشور » و « رسیدن وقت » آنکه ملت ایران سازنده تاریخ جامعه باشد و حکومت مطلقاً به فرد واحدی متکی نباشد چه منظوری داشته است . شاید همانطور که احزاب دولتی « ایران نوین » و « مردم » با اجراء « منویات ملوکانه » انقلابی شده اند ، ملت ایرانهم باید با تبعیت و اجراء این منویات خود را به « خلاق تاریخ » بدل کند و بهمان مقامی برسد که مستر جردن گفته است ملت امریکا بآن مقام رسیده است ! شاید منظور از « ملت مسئول » یعنی مسئول در مقابل ـ ساواك ـ !

با اینحال از آنچه که گفته شد میتوان و باید نتیجهٔ دیگری نیز گرفت . سلسله سر ـ مقاله های اطلاعات نشان دهنده بحرانی در رژیم استبدادی است. نشانهٔ آنست که خواست آزادیهای دموکراتیك حتی در محافل بور ـ ژوازی نیز رخنه کرده است و رژیم مجبور است بنحوی بدین خواست پاسخ دهد و این مطلب مؤید این نظر حزب ماست که شعار آزادیها و حقوق دموکراتیك بیش از پیش بیك شعار عمومی بدل میشود و مابین رشد مناسبات سیاسی و اقتصادی در درون جامعه از سوئی و شکل ادارهٔ استبدادی جامعه از سوی دیگر تضاد دمبدم عمیق تری پیدامیشود. روشن است که منادیان حکومت مطلقه با توسل به فرمول «رشد فکری» و ضرورت ایجاد « دمکراسی اقتصادی » قبل از «دمکراسی سیاسی» میخواهند این خواست مبرم را معوق گذارند، آنرا طرد و رد کنند ولی هر قدر آنان بدنبال بهانه های فلسفی بگردند ، و هرقدر که جارچیان نوظهور و سخن‌باز در تفسیر آیات ملوکانه با «صراحت بیشرمانه ای» سخن گویند . مردم ایران فریب نمیخورند و لاشهٔ گندیدهٔ شیوه های قرون وسطائی ادارهٔ کشور را که در آغاز قرن بیستم برای دفن کردن آن بجان کوشیده اند تا دیری بر دوش خویش تحمل نخواهند نمود .

رژیم دچار بحران و تناقضات درونی است و مسلماً نخواهد توانست در چارچوب حفظ اسلوبهای معتاد و مأنوس این تناقضات را چاره کند . این نکته ایست که باید در مبارزات علیه رژیم مورد توجه قرار گیرد . زیرا استفاده از تناقضات درونی رژیم و شناخت حدود و ثغور این تناقضات و درجهٔ حدت آنها ، یکی از شرایط بالا بردن اثر بخشی مبارزه است .

---

۱) اطلاعات شماره های دوشنبه ۲۲ و سه شنبه ۲۳ و چهار شنبه ۲۴ و شنبه ۳۰ تیر ماه ۱۳۴۹

۲) بعنوان نمونه از احکام تاحد مسخره آمیز علمایانه خویست این جمله را نقل کنیم : « در میان پژوهندگان تاریخ و صاحبنظران امام الاجتماع بحثی هست که تاریخ را آیا ملتها میسازند یا شخصیتها ؟ بنظر ما شاید در خصوص کشورهای دیگری مثل آمریکا که بقول جردن ، تاریخ آنرا ملت آمریکا ساخته است موضوع فرق کند ، اما بتا بتجربه اینکه تاریخ کهن کشور ما بدست میدهد ، تاریخ را در ایران همواره (!) شخصیتها ساخته اند . » جامعه شناسی « اطلاعات » مطلب را ساده حل میکند ، مستر جردن میگوید تاریخ امریکا را ملت ساخته ولی اطلاعات معتقد است که تاریخ ایران را شاهان ساخته اند و آنچه که اکنون در ایران میگذرد ، مدیون رهبری خردمندانه شاهنشاه ترقیخواه و مصلح و مدبر ، است ! روشن است که جامعهٔ شناسی علمی بایست یاوه ها می خندد و حکم « خلقها خلاق تاریخند » را برای همهٔ ازمنه صادق میداند زیرا تاریخ سرگذشت رشد فرهنگ مادی و معنوی ، سرگذشت مبارزات طبقاتی است که در کنف کار پیکار و آفرینش خلق میتوانند انجام گیرد.

دنباله ازصفحه ۸

ارزیابی وضع‌کنونی ایران از لحاظ جنبش

(گفتگوئی با رفقای حزبی ما در کشور)

نبرد مردم باصداقت و فداکاری شرکت‌جویند و در عین حال از شعار های شتاب زده و اقدامات حادثه جویانه بپرهیزند و با قاطعیت سنجیده جاده یك پیروزی مطمئن نهائی را هموار نمایند . ما بین این نظریه حزب و این ادعا که هم اکنون وضع در کشور انقلابی است و بهمین جهت باید بفوریت شعار استراتژیکی را شعار عمل قرار داد یعنی خواست تاکتیکی مبرم ما باید سرنگونی رژیم باشد تفاوت جدی و اساسی وجود دارد .

برچیدن بساط رژیم موجود و استقرار یك حکومت ملی و دموکراتیك هدف استراتژیك ما در مرحلهٔ انقلاب کنونی است چپ روی و ماجراجوئی است که ما این هدف استراتژیك را جانشین هدفهای تاکتیکی سازیم . اتخاذ روشهای چپ روانه و ماجراجویانه در شرایط تسلط ارتجاع باینجا منجر میشود که هسته های سازمانی منهدم میگردد، مبارزان‌صدیق‌بدام میافتند، نهضت پائینگیرد، ارتجاع از ناکامیهای مبارزه برای بسط روحیهٔ رعب و یأس و عدم اعتماد استفاده میکند ، کار پیشرفت آتی حزب و نهضت باز هم دشوار تر میشود .

ما برفیق نویسنده نامه و رفقای دیگر حزبی که ممکن است تحت تأثیر این نوع تحلیل های احساسی قرار گرفته باشند هشیار باش میدهیم . کسانی که خود را به حزب طبقه‌کارگر ایران متعلق میدانند باید انضباط حزبی را در فکر و عمل حفظ کنند . معنای وحدت اراده و عمل جز این نیست . اگر قرار باشد هر کس تحلیل خود را مطلق دانند و به عمل ناشی از آن دست زند ، هیچ گونه وحدت اراده وعملی درحزب باقی نمیماند. حزب میتواند مسئولیت آن عملی را بپذیرد که از مشی او ناشی میشود و بناچار مسئول عملی که از مشی او ناشی نمیشود ، نیست و نخواهد بود. این مطلب را باید آویزهٔ گوش هوش خود ساخت . کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران نه تنها اینگونه تحلیل ها و اقدامات مبتنی بر آنرا نادرست و مضر میداند، بلکه هر گونه عملی را در این جهت تخلف از موازین حزبی ، عدول از خط مشی حزب و نقض مقررات اساسنامه ای حزب و دستور های صریح رهبری در بارهٔ عدم تمرکز سازمانی تلقی میکند .

گفتار فوق در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۴۹ از رادیوی پیك ایران پخش شده است .

دنباله از صفحه ۱

در باره خلیج فارس

خارجه عربستان سعودی در پایان مسافرت زاهدی بعربستان سعودی اعلام داشت که « ما هیچ علاقه ای به ادامه حضور نیروهای انگلستان در منطقه خود نداریم . ما نه تنها خواستار خروج نیروهای انگلیسی از این منطقه هستیم ، بلکه خروج دیگر نیروهای خارجی را از تمامی منطقه خواهانیم » . این وحدت نظر بین ایران و عربستان سعودی و کویت نتیجه یك سلسله اقداماتیست که در یکسال اخیر برای رفع اختلافات بین این سه کشور در مورد بحرین و بعضی از جزایر خلیج و درباره نفت فلات قاره بعمل آمده و قرائن نشان میدهد که این اختلافات در قسمت بزرگی رفع شده است . علاوه بر این سه کشور ، عراق هم با حضور قوای نظامی انگلیس بدون آنکه اختلاف خود را با سه کشور مذکور مخصوصاً با ایران رفع کرده باشد مخالف است . بنا بر این در این منطقه فقط شیخ نشین ها یا امارات خلیج هستند که ممکنست بعنوان « دوستان و متحدان » انگلستان طرفدار ابقای نیروهای نظامی انگلیس درخلیج فارس باشند. ازرفت و آمد ها و مذاکراتیکه از طرف کشور ایران ، کویت و عربستان سعودی برای جلب شیوخ بعمل میاید و تا حد زیادی موفقیت آمیز بنظر میرسد ، روشن میشود که وضع حکومت محافظه کار در انگلستان در اجرای سیاست نگهداشتن نیروهای خود در این منطقه ضعیف شده و بهمین دلیل است که هیوم وزیرخارجه انگلستان پس ازمذاکرات خود با شاه ایران اولین آثار عقب نشینی را از موضع سیاست حزب محافظه کار نشان داد و گفت دولت لندن تصمیم دارد سیاست دولت پیشین آن کشور را مبنی بر خروج نیروهای انگلیسی در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) بی مشورت با سران کشورهای منطقه تغییر دهد . در صورتیکه سران اینکشور ها با هر گونه تغییری در این سیاست مخالفت کنند ، سیاست قبلی عیناً اجرا خواهد شد . هیوم اضافه کرد که « ما و ایران و عربستان سعودی و امارات خلیج فارس همه در حفظ ثبات و امنیت منطقه ذینفع هستیم . مذاکرات من با شاه ایران در مورد اتخاذ روش سیاسی در این زمینه بود ، این مذاکرات بما کمك خواهد کرد که سیاست خود را در مورد این منطقه شکل دهیم . »

اینك به بینیم واقعاً چه مسائلی در مورد خلیج فارس موجود است و چگونه باید حل شوند ؟

مسئله اول حضور یا خروج نیروهای نظامی انگلستان است که روزی بقول لرد کرزن بعنوان مبارزه با دزدان دریائی (!) و برده فروشان (!) بخلیج فارس قدم گذاشتند ولی هدف اصلی آنها بر قراری تسلط استعمار انگلستان در خلیج و کشور های مجاور آن بود و بر کسی پوشیده نیست که ظرف پنجاه سال توقف این نیروها در این منطقه بر صاحبان حقیقی خلیج چه گذشت . نظر ما در این مورد مانند نظرتمام مردم این منطقه اخراج نیروهای نظامی استعمار گران است و باهر گونه ساخت و یاختی که بنحوی از انحاء وجود نیروهای نظامی انگلیس را پس از تخلیه بحرین و شرجه در جزایر مسکون و یا نا مسکون خلیج تجویز کند ولو بعنوان « سمبلیك » مخالفیم . روزنامه دیلی اکسپرس چاپ لندن در شماره ۲۰ تیر ماه خود مینویسد که حتی اماراتی که قبلا پیشنهاد کرده بودند هزینه نیروهای انگلیسی را در آن منطقه بپردازند اکنون نظر خود را تغییر داده اند .

مسئله دوم موضوع « امنیت و ثبات » است که وزیر خارجه انگلستان آنرا مطرح کرده است . در این مورد قبل از هر چیز باید دید مقصود از امنیت و ثبات چیست و چه خطری آنرا تهدید میکند ؟ تاریخ پنجاه ساله اخیر خلیج فارس نشان میدهد که امنیت و ثبات این منطقه را امپریالیست ها و در درجه اول امپریالیسم انگلستان برای بدست آوردن منافع استعماری خود بهمزده اند و بنا بر این خروج نیروهای انگلستان خود یکی از عوامل بر قراری امنیت و ثبات در این منطقه خواهد بود . حفظ ثبات و امنیت در خلیج بعهدهٔ صاحبان آن یعنی تمام کشورهای مجاور و مردم آنهاست که اگر دخالت های مرئی و نامرئی استعمار گران نمیبود میتوانستند با رعایت حقوق در صلح و صفا با یکدیگر زندگی کنند و از حقوق طبیعی خود درخلیج بر خوردار گردند . اما واقعیت اینست که برای انگلستان امنیت و ثبات مفهوم دیگری دارد ، محتوی پاسخ زاهدی باین سئوال که « آیا موضوع جنگ داخلی عمان و تحریکات رژیم چپ رو یمن جنوبی در مذاکرات او با سران عربستان مطرح شد یا نه ؟ » نشان میدهد که بزعم حکومت ایران و همکاران او مفهوم امنیت و ثبات وسیعتر از آنچیزیست که از این کلمات عادتاً درك میشود . زاهدی میگوید : « وقتی چنین وقایعی در منطقه ما رخ میدهد بدیهی است که ما و دوستانمان در باره آن مباحثه میکنیم . با این حال باید این موضوع را روشن کنیم که ما به امور داخلی کشور های دیگر کاری نداریم مگر اینکه آرامش منطقه بدین ترتیب در خطر افتد » . از اظهارات دو پهلوی زاهدی نمی توان فهمید که آیا دولت ایران مبارزات داخلی مردم سواحل خلیج را برای تغییر رژیم حکومتی کشور خویش که با زور بدانها تحمیل شده موجب « خطر » برای « آرامش » منطقه میداند یا نه ؟ در نظر انگلستان و امپریالیستها مفهوم ثبات و امنیت بسیار روشن است انگلستان و امریکا و بطور کلی امپریالیستها و کلیه انحصارات نفتی ثبات و امنیت را در ادامهٔ بلامانع غارت منابع نفتی خلیج و سواحل آن ، در خفه کردن هر گونه جنبش ضد استعماری در این منطقه و در بقای نفوذ سیاسی و نظامی خود بطور مستقیم و یا غیر مستقیم بوسیله حکومتهای وابسته باردوگاه میدانند . طرح دو مسئله « ثبات » و « امنیت » از طرف انگلستان کوشش تازه ایست که برای ایجاد جبهه ای علیه جنبش های ملی در این منطقه با بدست آوردن جای پائی بعنوان عضویت و یا مشاورت و یا داشتن حق باز گشت نیروهای انگلستان در موقع بروز « خطر » میشود . بدیهی است که شرکت ایران در هر نوع گروه بندی که هدف آن سرکوبی جنبش مردم بنام حفظ « ثبات و امنیت » باشد و یا باقی گذاشتن جای پائی برای انگلستان در این منطقه ناقض اظهارات رسمی شاه و حکومت ایران دایر بلزوم اخراج نیروهای استعماری از خلیج و حفظ منافع کشور های ساحل خلیج بدست خود آنها خواهد بود .

آینده نزدیك نشان خواهد داد که دولت ایران تا چه حد در اظهارات خود صادق است .

ا. گویا

شادباش کمیته مرکزی حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس بمناسبت پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران !

رفقای عزیز !

بمناسبت پنجاهمین سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس (اکل) صمیمانه ترین شادباشهای رفیقانه خود را به حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر و زحمتکشان ایران ، که از سال ۱۹۴۱ مبارزه قهرمانانه حزب کمونیست ایران را بر ضد بستگی به امپریالیسم خارجی ، بقایای فئودالیسم و دیکتاتوری ادامه میدهد تقدیم می دارد .

ما ایمان شما را به آرمانهای عالی آزادی ، دموکراسی و سوسیالیسم ، پایداری و از خود گذشتگی شما را طی سالهای مبارزه سخت بر ضد نیروهای ارتجاع و مداخله خارجی تهنیت میگوئیم . ما در برابر گروه مبارزان و اعضاء و کادر های حزب شما که جان خویش را در راه هدف خویش نهادند و یا رنج و شکنجه های موحش را در زندانها بخاطر رهبری خلق در مبارزه خویش بجان خریدند ، سرتعظیم فرود میآوریم .

مردم قبرس، که مبارزه دشواری را بر ضداستعمارانگلستان از پیش برده است اکنون برضد مداخلات امپریالیستها و علیه توطئه آنان برای تبدیل قبرس به پایگاه موشکی بر ضد خلقهای خاور میانه مبارزه میکنند . ما بمبارزه شما بخاطر مقصد مشترك و دشمن مشترك ارزش می‌نهیم و آنرا درك میکنیم .

مبارزه خلقها و احزاب ما عمیقاً میهن پرستانه و در عین حال واقعاً انترناسیونالیستی است ، زیرا مستقیماً به مبارزهٔ خلقهای این منطقه در راه صلح ، آزادی و ترقی اجتماعی کمك میکند .

بمناسبت سالروز تاریخی حزب شما ما یکبار دیگر موضعگیری مشترك احزاب خودمان را تأیید میکنیم . اتحاد عمل تمام احزاب کمونیستی و کارگری امروز وظیفه مبرم و عامل قاطع وحدت تمام نیروهای ضد امپریالیستی جهان ، در راه پیروزی نیرو های هوادار آزادی ملی ، صلح و ترقی اجتماعی است .

ما برای حزب شما کامیابیهای تازه در مبارزه گرانقدر آن آرزو میکنیم و بشما اطمینان میدهیم که حزب ما و زحمتکشان قبرس همراه و پشتیبان شما هستند .

از طرف کمیته مرکزی اکل - دبیر کل اکل

تلگراف شادباش حزب کمونیست اورو گوئه بمناسبت پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران !

رفقای عزیز !

هیئت اجرائیه حزب کمونیست اورو گوئه بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران درودهای گرم خود را بشما تقدیم میدارد . ما به فعالیتی که حزب کمونیست ایران برای اتحاد طبقه کارگر و همه خلق ایران انجام داد ارج میگذاریم . ما از دشواری شرایطی که حزب شما در آن فعالیت میکند و از مبارزه ایدئولوژیك فعال شما علیه اپور - تونیستهای چپ و راست آگاهیم و اطمینان داریم که مردم ایران برهبری حزب توده زیر درفش مارکسیسم - لنینیسم این مبارزه را به پیروزی خواهند رساند .

منتویدئو - ۱۰ ژوئن ۱۹۷۰

بقیهٔ نامه های شادباش را در صفحه ۷ بخوانید

توجه

بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین منتخبات لنین بزبان فارسی در چهار جلد تجدید چاپ خواهد شد . جلد اول بزودی انتشار خواهد یافت .

در بارهٔ

ایده‌ئولوژی رسمی هیئت حاکمه ایران

ایده‌ئولوژی رسمی هیئت حاکمه ایران بیش از پیش بصورت آمیزه‌ای از احکام رفورمیستی با جذب کلیه خواستها و دعاوی رژیم سلطنت استبدادی و نظام پلیسی-میلیتاریستی موجود در میآید. شاه، رهبر معنوی این ایده‌ئولوژی اعلام میگردد. لذا بیجا نیست که اگر باین ایده‌ئولوژی که افزار عوامفریبی رژیم است نام «رفورمیسم اعلیحضرتی» داده شود.

هیئت حاکمه ایران برای ایجاد و نضج دادن این ایده‌ئولوژی راه نسبتاً طولانی را طی کرده است. در آغاز استقرار رژیم کنونی، شاه در قبال مشی ناسیونالیستی دکتر محمدمصدق موسوم به «موازنه منفی» نظریه «ناسیونالیسم مثبت» را آورد. کتاب «مأموریت من برای وطنم» را شاه در مقطع این باصطلاح «ناسیونالیسم مثبت» (که چیزی‌جز تسلیم به خواستهای امپریالیسم در ایران نبود)، نگاشت. در کنار این‌مشی گاه مستقیم و گاه بطور جنبی ایده‌ئولوژی شوینیستی «پان ایرانیسم» که دربار وقشر فوقانی ارتش ایران همیشه تکیه گاه آن‌بوده ترویج میشده و کماکان میشود. این جریان که خود از زمان رضا شاه تا کنون تاریخ جالبی را طی کرده است، جداگانه درخورد بررسی است.

شایان‌ذکر است که یکی ازسخنگویان رژیم، یعنی دکتر جلال عبده چند سال پیش از فقدان نیاز به ایده‌ئولوژیها، یا باصطلاح از لزوم «ایده‌ئولوژی زدائی» سخن گفت و دعوی کرد که برخورد «پراگماتیك» و روزمره‌بحوادث کافی‌است زیرا ایده‌ئولوژیها موجب سرگیجه و اسباب زحمت میشود.

ولی سالهای اخیر و در زمینه بغرنجتر شدن نبرد طبقاتی در مقیاس ایران و جهان رژیم‌مجبورشدبا افزارهای عوامفریبانه تازه‌ای بمیدان آید. منابع این نظریات که ما آنرا «رفورمیسم‌اعلیحضرتی» نامیدیم‌مختلف‌است: از طرفی تلقینات و راهنمائیهای رایزنان امپریالیستی آنتی کمونیسم و از سوئی تأثیرات‌روشنفکران تسلیم‌طلب یا سازشکاری که در دورانی باجریانات انقلابی و ایوزیسیونی همراهی داشته‌اند، در تشکل ایده‌ئولوژی اعلیحضرتی‌مؤثر بوده است.

تئوری تازه شاه بنا باصطلاح مطلوب خود او «انقلاب سفید» نام دارد و شاه آنرا در کتابی بهمین نام عرضه داشته است. عناصر تسلیم طلب که در این اواخر مقالات و مصاحبه هائی بسود رژیم ترتیب داده‌اند (از قبیل مهندس پرویز نیکخواه) با حرارت و قیافه یك متفکر و کاشف، همین ایده‌ئولوژی را تبلیغ می کنند و باصطلاح از مائوئیسم گسیخته به «یهلویسم» پیوسته‌اند!

اگر از روی کتاب و مصاحبه های متعدد شاه و اظهارات نخست وزیر هویدا و ارگان حزبی او «ندای ایران نوین» و بیانات دیگر جارچیان و چاپلوسان رژیم بخواهیم احکام اساسی این ایده‌ئولوژی‌دولتی را بیان داریم ترازنامهٔ زیرین حاصل میشود:

۱- ایران باید از جهت اقتصادی براه سرمایه داری‌برودولی نه‌تقلیدکامل از سرمایه‌داری غرب، بلکه اختراع آنچنان سرمایه‌داری ویژه‌ای که بقول خداداد فرمانفرمائیان منجر به قطب‌بندی جامعه و پیدایش تضاد فاحش فقر و ثروت نشود! البته منظور فرمانفرمائیان از این سرمایه داری معجز آسا همان تئوری کذائی «سرمایه داری خلقی» است که سالیان درازی است در امریکا و اروپای غربی بمیان کشیده شده است. مقصود از این تئوری آنست که باید از راه ایجاد شرکتهای تعاونی و سهیم کردن هرچه بیشتر مردم در مؤسسات سرمایه داری، مالکیت سرمایه داری «پخش گردد» تا قشر های‌هر چه بیشتری به بقای مناسبات سرمایه داری ذیدخل شوند. روشن است که در اینجا هیچ «راه سومی» در آنسوی سرمایه داری و سوسیالیسم در میان نیست بلکه فقط منظور بکار بردن‌مکانیسم‌های‌ظریف تر برای‌مستور ساختن‌ماهیت‌استثمار گرانه‌و ددمنشانه سرمایه‌داری است. «شرکتهای تعاونی روستائی» «شرکتهای سهامی زراعی»، «شرکتهای توزیع و مصرف» «سهیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها» و غیره، اشکال مختلف این مکانیسم «سرمایه داری خلقی» در ایران است.

ادعای آنکه‌ایران‌باید براه سرمایه‌داری برود باین آشکاری از طرف همه کس بیان نمیشود. گاه حتی‌از «سوسیالیسم» هم سخن میگویند و مدعی هستند که فرمولهای معجز آسائی یافته‌اند که میتواند سرمشق عالم و عالمیان قرار گیرد. ولی درعمل سرمایه داری و بویژه بدترین شکل آن یعنی سرمایه‌داری وابسته بامپریالیسم، با تسلط روز افزون بخش خصوصی که تمام عواقب کلاسیك خود را ایجاد می کند در میهن ما تسلط روز افزون می‌یابد. در این باره تحلیل رسمی حزب مطلب را روشن ساخته است.

۲- از رفورمهای نیم بند و سطحی که در کادربسط مناسبات سرمایه داری است بعنوان تحقق عظیم ترین «انقلاب» سخن میرود.درواقع شاه‌آنرا «انقلاب‌زیرورو کننده» مینامد، ولی البته بزعم سخنگویان رژیم، این انقلاب یك «انقلاب سرخ» نیست بلکه یك «انقلاب سفید» است. این تقسیم‌مضحك و عامیانه انقلاب به سفید و سرخ یکی از «اختراعات» شاه و هیئت حاکمه ایران‌است. هرکس که ولو اندکی‌از تئوریهای اجتماعی خبر داشته باشد میداند که انقلاب یعنی‌تحول بنیادی و کیفی اجتماع بصورت انتقال قدرت حاکمه از دست طبقات ارتجاعی بدست‌طبقات مترقی و تحول طلب. این انقلاب میتواند با خون، بیخون، قهرآمیز، مسالمت آمیز انجام گیرد. محتوی عمده انقلابات تغییر شکل مالکیت‌است و در انقلاب سوسیالیستی‌مالکیت سرمایه‌داران بر وسایل تولید و مالکان بر زمین جای خود را بمالکیت اجتماعی میدهد. لذا انقلاب سرخ و سفید ندارد و آنچه که در ایران میگذرد ابداً و اصلا انقلاب نیست، بلکه یك سلسله اقدامات تارسا در ده برای جانشین کردن زمینداری بزرگ سرمایه‌داری بجای رژیم ارباب رعیتی سنتی است که آنهم با سیری متناقض و کند و همراه با انواع رشوه ها به مالکان‌و انواع فشار ها به‌دهقانان انجام میگیرد. بقیه اقدامات رژیم از نوع تدابیر متداول در کشور های سرمایه داری است که دارای هیچگونه محتوی جدی از جهت تحول اجتماعی نیست.

گفته‌میشود که چون «انقلاب عظیمی» در ایران در جریان است لذا دیگر احتیاجی به مبارزه انقلابی نیست و باید دربست به‌هیئت حاکمه و شاه پیوست و فوقش نقش رایزن و ناصح مؤدب و مطیع و متملقی را بازی کرد و خاضعانه ارائه طریق نمود و در عین حال هم نظر خود را جلوه‌ای از منویات ملوکانه نشان داد. بدینسان رفورم عملا عالی ترین شکل تحول اجتماعی معرفی میشود و انقلاب اجتماعی بمثابهٔ قیام و اقدام علیه رژیم طرد و با اعدام مجازات‌میگردد، زیرا تنها آن‌انقلابی مجاز است که اعلیحضرت می کند و انواع دیگر انقلابات ممنوع است.

۳- بعنوان رژیم سیاسی دولت مدعی است عالی ترین شکل دمکراسی را برهبری شاه یافته است. مدعی میشوند که در ایران «بجز آزادی‌خیانت» همه گونه آزادی‌وجود دارد واما خیانت هم یعنی مخالفت با شاه. در واقع حتی بازی با الفاظ مارکسیستی اگردر کادر ابراز ارادت بشاه باشد مجاز است ولی جدی گرفتن کمترین‌شعارلیبرالیستی بورژوائی که منجربه‌مخالفت‌با شاه شود سخت «قدغن» است. زیرا شاه، بنا بادعای خود او و اطرافیانش تنها یك سلطان عادی نیست بلکه پدر و رهبر و «عقل اول» انقلابی‌است و «منویات او» جامع کلیه حقایق است و کار دیگری نیست جز درك این منویات و اجراء آن. حزب «ایران نوین» و «مردم» مدتهاست بر سر درك و اجراء این منویات‌با هم مشاجره دارند و با آنکه هر دو در پیخ گوش اعلیحضرت فعالیت می کنند، وی بآنها نمی گوید بالاخره کدامشان منویات را بهتر فهمیده‌اند. این کیش شاهی با این تأکید قرون وسطائی البته با آن دعاوی دور ودراز انقلابی و سوسیالیست نما «لایتجیك» است ولی رژیم‌مانعی‌در حفظ تمام این عناصرمتضاد در کنار هم نمی بیند. در مورد دموکراسی این نکته را هم باید افزود که مدعی هستند ایران هنوز «رشد معنوی و فکری» برای دموکراسی سیاسی ندارد و اول باید «دموکراسی اقتصادی» برقرار شود. ولی معنی دموکراسی اقتصادی یعنی لغو استثمار انسان از انسان و روشن است رژیمی که خود حامی استثمار سرمایه داری و استعمار نوین است نمیتواند موجد دموکراسی اقتصادی باشد.

٤- مبارزهٔ طبقاتی که شاه آنرا «نفرت طبقاتی» مینامد با شدت طرد میشود. دعوی میشود آنچه که ایران بآن احتیاج دارد «وحدت ملی» در زیر رهبری شاه است. دعوی‌میشود که گویا در جهان‌امروز مبارزه طبقات منافع عالیه ملی ما را بخطر میاندازد و کشور را بسوی هرج و مرج و خطرات‌پیش‌بینی ناپذیر میبرد. البته‌ضمانت اجراء های محکم برای سرکوب مبارزهٔ طبقاتی وجود دارد: سازمان امنیت بادستگاه شکنجه، دادگاههای دربستهٔ نظامی با احکام اعدام. حزب تودهٔ‌ایران بمثابهٔ مظهر «انقلاب سرخ» و «مبارزهٔ طبقاتی» دشمن شماره یك اعلام‌میگردد.مصاحبه‌های‌اخیر شاه واظهاراتی که از قول تسلیم طلبان اخیر نقل شده همه بخوبی نشان میدهدکه هدف اصلی کوبیدن و نابود کردن حزب تودهٔ ایران است. در اینجا هدف هیئت حاکمه عملا با هدف برخی از گروههای اپوزیسیون منطبق میگرددزیرا آنهاخواه بخواهند خواه نخواهند مانند رژیم منحل کردن حزب توده‌میزان را هدف مستقیم‌خود قرار داده‌اند. شعار یکی است که‌یکی دربسته بندی راست و دیگری‌در بسته بندی چپ عرضه میشود.

مسئلهٔ نفی «مبارزهٔ طبقاتی» بحساب «وحدت ملی» نغمه نوی در ایران و جهان نیست. همیشه دولتهای بورژوائی مدعی شدند که مبارزات‌طبقاتی‌به «مصالح عالیه‌مملکتی» صدمه میزند یعنی در واقع طلبیده‌اند که طبقات زحمتکش مطالبات خود را بخاطر پیشرفت مطالبات سیاسی و اقتصادی بورژوائی مسکوت گذارند و تسلیم دیکتات بورژوازی شوند. این‌یکی از آن فریب ها و تقلب‌های بزرگ است که تحت بهانه «میهن پرستی» بمیان کشیده میشود. حزب ما این تز مضر ضد انقلابی را بشدت رد میکند و هیچگونه «مصالح عالیه» ای را نافی مبارزه طبقاتی نمیداند بلکه بر عکس مصالح عالیه [illegible] مارا در پیشرفت منافع طبقات زحمتکش، در انقلاب‌اجتماعی‌درپیروزی سوسیالیسم میشمرد.

٥- ادعامیشود که‌سیاست ایران سیاست «مستقل ملی» است و امپریالیستها در شکل گرفتن مشی سیاسی دولت ایران نفوذ قابل ملاحظه‌ای ندارند و ایران بین شرق و غرب مستقلا راه ویژه خویشرا برگزیده طی میکند. اگر توجه کنیم که عمده منبع در آمد ارزی ما از نفت است که‌در کنترل امپریالیستهاست و در بازرگانی‌خارجی ما بخش وارداتی (که بیش از ٥-٦ برابر بخش صادرات غیر نفتی است) در دست امپریالیستهاست و ایران در زیر بار سنگین قرضه امپریالیستی است؛ اگر توجه کنیم که‌ایران عضو پاکت «سنتو» است و با امریکا قرارداد دوجانبه و قرارداد کاپیتولاسیون‌و غیره امضاء کرده و بیش‌از هزار نفر مستشار امریکائی ارتش ما را در قبضه دارند، اگر توجه کنیم که همهٔ سرشناسان هیئت حاکمهٔ ایران اعضاء لژهای فراماسیون و سازمانهای امپریالیستی «رتاری کلوب» «لایئس»، «زونتا» «تسلیح اخلاق» و غیره هستند، اگر توجه کنیم که

دنباله در صفحه ۷

نیم قرن حزب توده ایران

«نیم قرن حزب توده ایران» عنوان مقاله‌ایست که روزنامه «نیپ‌سابادشاگ» ارگان مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران منتشر کرده است. ترجمه این مقاله بنظر خوانندگان عزیز میرسد.

موفقیت های تاریخی حزب توده ایران را که طی ۵۰ سال از زمان تأسیس حزب کمونیست ایران درمبارزه سرشار از فداکاری در راه استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی بدست آمده، مشکل است بتوان در چارچوب یك مقالهٔ روزنامه جمع بندی نمود.

حزب کمونیست ایران هنگام تشکیل خود بر ارج ترین نیرو های معنوی جامعه را با مبارزه انقلابی طبقه کارگر در حال رشد پیوند داد. محفل های سوسیال دموکرات از سال ۱۹۰۴ در شهر های بزرگ ایران فعالیت داشتند. نفوذ این محافل نه تنها در مراکز صنعتی، بلکه میان بعضی از اقشار دهقانی نیز گسترش یافته بود. سوسیال دمکرات های ایران در انقلاب بورژوازی ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۱ نقش مهمی ایفاء کردند. لنین و بلشویك ها به نقش فعال سوسیال دمکراتهای ایران توجه داشتند و از کمك های معنوی به انقلاب ایران دریغ نمیکردند.

انقلاب کبیر سوسیالیستی روسیه به‌مبارزه مردم ایران علیه امپریالیسم انگلستان و فئودال های داخلی الهام می بخشید. ۲۲ ژوئن سال ۱۹۲۰ نمایندگان گروههای مختلف مارکسیستی و دستجات مسلح در شهر انزلی از بنادر دریای خزر گرد آمدند و اتحادخود را اعلام داشتند و حزب کمونیست ایران را پایه گذاری کردند. این حزب از لحظه تشکیل خود عامل مهم قیام گیلان بود و در دولتی که در شمال ایران در نواحی خزر تشکیل شدشرکت نمود. کمونیستهای ایران در تشکیل سازمانهای سندیکائی و دهقانی و جوانان و زنان در ایران نقش درجه اول داشتند. شعار حل قاطع مسئله دهقانی را در ایران برای نخستین بار کمونیست های ایران مطرح کردند. کمونیستهای ایران بر پایه مارکسیسم-لنینیسم برای نخستین بار علل واقعی عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی ایران را تجزیه و تحلیل کردند و پیوند میان امپریالیستهای خارجی و مالکان بزرگ فئودال را آشکارساختند وراه انقلاب ملی دموکراتیك ایران را نشان دادند.

پس ازآنکه رضا شاه در سال ۱۹۳۱ حزب کمونیست را به کار مخفی واداشت کمونیستهای ایران در مبارزه در راه پیشرفت اجتماعی بیش از پیش به فداکاری بر خاستند. صد ها تن از رفقای ایرانی ما در سلولهای زندانها شکنجه دیدند و نابود شدند. کمونیستهای ایران در سال ۱۹۴۱، زمانی که ارتش سرخ وارد نواحی شمالی ایران شد سازمان سابق حزب کمونیست ایران را با نام حزب توده ایران احیاء کردند. حوادث انقلابی پس از جنگ، در جریان ترور لجام گسیخته‌ای حزب توده ایران را از نو به اختفای عمیق واداشت. ولی این حزب زنده است، مبارزه میکند و نماینده وفادار منافع زحمتکشان ایران است.

حزب توده ایران به خانواده سترگ نهضت جهانی کمونیستی و انترناسیونالیسم پرولتری کاملا وفادار است.

حزب توده ایران برنامه خود را برپایه تجارب عمومی نهضت جهانی کمونیستی و مقتضیات شرایط ویژه ایران تنظیم کرده است. این حزب در اسناد رسمی خود اعلام داشته است که در ده سال اخیر دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی معینی در ایران انجام گرفته که محتوی اساسی آن رشد مناسبات سرمایه داری در شهر و روستا است. پروسه بر افتادن بقایای فئودالیسم در ایران تسریع شده است. تمام اصلاحاتی که دولت ایران به آن دست برده، ازجمله اصلاحات ارضی، همه در جهت تسریع رشد سرمایه داری است. رشد سرمایه داری در ایران همراه با تشدید وابستگی به امپریالیسم انجام میگیرد. مجموعه این عوامل راه مبارزه حزب توده ایران را مشخص میسازد. برای رفقای ایرانی ما روشن است که اصلاحات کنونی، اصلاحات دیر رسی پیش نبوده و تماماً محصول فرعی نهضت انقلابی مردم ایران در دوران پس از جنگ میباشد نهضتی که بسط یافت ولی بعلل مختلف عینی و ذهنی دچار شکست شد. رفرمهای دولت ایران مانند سایر رفرمهای بورژوائی خصلت محدود و نیم بند دارند و تضاد های عمیقی را که جامعه را از داخل متلاشی میسازد نمیتوانند حل کنند و استقلال کشور را در برابر نفوذ امپریالیسم تضمین نمایند و تضاد های موجودمیان مردمی که در راه دموکراسی وترقی مبارزه میکنند و مالکان بزرگ و سرمایه داری را از میان بردارند.

در مبارزات روزمره باید از کادرهای حزبی محافظت نمود و کادر های جدیدی تربیت کرد، باید سازمانهائی را که دشمن طبقاتی درهم شکسته است احیاء کرد و توده‌هارا برای مبارزات سیاسی واقتصادی آماده نمود، باید برای استقبال موج جدید نهضت انقلابی که ضرورت تاریخی آنرا جانشین دوران فروکش کنونی خواهدساخت، آماده بود.

چنین است موضعگیری حزب توده ایران. رفقای ایرانی ماباچنین درك واقع‌بینانه هم با چپ روان ماوراء انقلابی و هم با کسانی که باین رفرمها پر بها میدهند و به ایورتونیسم راست گرایش دارند، مبارزه میکنند.

در این مرحله بزرگ مبارزه، پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران برای تمام جنبش جهانی کمونیستی از جمله برای حزب ما - حزب سوسیالیست کارگری مجارستان-فرصت تازه‌ای است که با ابراز همبستگی برادرانه خود حزب توده ایران را تقویت کنیم.

با این نیت تزلزل ناپذیر در پنجاهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران، به حزب برادر ایرانی خود که با فداکاری فراوان و مبارزه سرسخت خود راه را برای آینده پرنشاط خلقهای ایران هموار میسازد، درود میفرستیم.

دنباله از صفحه ۱

نیم قرن مبارزه دشوار

در روسیه، تشکیل گردید.

علی رغم شرایط دشواری که نتیجه عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور بود، حزب کمونیست ایران موفقیت های بزرگ در فعالیت سیاسی، ایدئولوژیکی و سازمانی بدست آورد. این حزب برای متحد ساختن تمام زحمتکشان ایران بر اساس تأمین استقلال ملی و دموکراسی مبارزه خود را آغاز نمود.

حزب کمونیست ایران نخستین حزبی بود که شعارحل قاطع مسئله ارضی را مطرح کرد و بر اساس تحلیل لنینی علل اصلی عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی کشور را آشکار ساخت و راه انقلاب دموکراتیك ملی را نشان داد.

حزب کمونیست ایران از همان آغاز به انترناسیونال کمونیستی پیوست و ضرورت دوستی با اتحاد شوروی و اهمیت این دوستی را برای تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور برای مردم ایران تشریح نمود.

حزب کمونیست ایران بعلت شرکت همه جانبه در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع بار ها مورد تعقیب وحشیانه قرار گرفت و سرانجام در سال ۱۹۳۱ فعالیت آن ممنوع گردید. ولی این حزب در شرایط دشوار مخفی نیز به اشاعه اندیشه های مارکسیستی-لنینیستی ادامه داد. بخاطر این فعالیت ها صد ها تن از فعالین حزب زندانی یا اعدام‌شدند.

در سال ۱۹۴۱ عده‌ای از کمونیست های ایران که پس‌از ورود ارتش سرخ بایران از زندانها آزاد شده بودند، حزب توده‌ایران را بنیاد نهادند. این حزب بمثابه ادامه دهنده سنن و مبارزات حزب کمونیست ایران تشکیل گردید. از نخستین روز تأسیس خوداین حزب وظایف مبرم مبارزه را در آن مرحله تشخیص داد و بمبارزه ضد فاشیستی پرداخت.

بدین ترتیب حزب توده ایران جبهه ضد فاشیستی وسیعی از کارگران، دهقانان و روشنفکران دموکرات بوجود آورد. حزب توده ایران تنها حزبی بود که شعار های ضد امپریالیستی را مطرح ساخت و مبارزه در راه ایجاد جبهه واحدضد استعمار را آغاز نمود، جبهه‌ایکه میبایست همه نیرو های دموکراتیك و مترقی کشوررا در بر گیرد.

حزب توده ایران از بدو تأسیس خود هواداران بسیاری بدست آورد و به نخستین سازمان توده‌ای وسیع در تاریخ ایران بدل گردید. بهمین جهت محافل حاکمه ایران برای محدود کردن نفوذ این حزب به تلاش برخاستند و در ماه فوریه ۱۹۴۹ حزب توده ایران را غیر قانونی اعلام کردند. حزب‌توده ایران‌حتی در شرایط سخت دوران کارمخفی نیز فعالیت خود را قطع نکرد و همچنان در جریانات سیاسی ایران مؤثر بود. این وضع به پیکار عظیمی بخاطر نفت ایران منجر شد که در دوران زمامداری مصدق در سالهای ۱۹۵۳-۱۹۵۰ باوج خود رسید. حزب توده ایران توانست عظیم ترین نیرو ها را در مبارزه بخاطرملی کردن نفت ایران بوجود آورد، نیروئی که توانست شکست بزرگی به امپریالیسم انگلستان در خاور میانه وارد سازد. مبارزه بخاطر نفت ایران حلقه مهمی در جنبش آزادیبخش ملی کشور های آسیا و افریقا بود.

پس از سقوط دولت مصدق در سال ۱۹۵۳ که نتیجه مداخله امپریالیسم امریکا بود، همه احزاب سیاسی سرکوب شدند و این امر ضربه شدیدی به حزب توده ایران و همه نیرو های دموکراتیك کشور وارد آورد. بار دیگر دوران پیگرد بیرحمانه نیرو های دمکراتیك و انقلابی در کشور آغاز شد. این‌بارهدف دستگاه حاکمه امحاءکامل این نیرو ها بود. ولی حزب توده ایران حتی در چنین شرایطی نیز بمبارزه در راه تجدید نیرو و ایجاد جبهه واحد دمکراتیك ضد امپریالیستی ادامه داد.

در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری سیاست حزب توده ایران براصول انترناسیونالیسم پرولتری مبتنی است. از همان آغاز حزب توده ایران نسبت به کمك پنج کشور عضو پیمان ورشو به چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ نظر موافق داد.

حزب توده ایران همچنین در کار تدارك کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری در سال ۱۹۶۹ در مسکو فعالانه شرکت داشت و رهبری حزب سند اصلی این کنفرانس را کاملا تأیید نمود.

حزب توده‌ایران نیز از جریان انشعاب در نهضت جهانی کمونیستی و کارگری در امان نبودو با دگماتیسم به مبارزه بر خاست. برخی از اعضاء کمیته مرکزی حزب که از خط مشی چپ روانه و ماجراجویانه رهبران حزب کمونیست چین‌دفاع میکردند، از حزب اخراج شدند.

حزب توده ایران بمثابه ادامه دهنده مبارزه حزب کمونیست ایران از مبارزات دشوار پنجاه‌ساله تجارب تازه‌ای کسب کرده است. حزب توده ایران با در نظر گرفتن شرایط‌موجود،جلب همه نیروهای دموکراتیك و ضد امپریالیستی‌را برای پشتیبانی از مبارزه در راه‌تأمین آزادیهای دموکراتیك و پیروزی نهائی مردم هدف خود قرار داده است.

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.

دنباله از صفحه ۱۰

پرچم نبرد انقلابی را برافراشته نگهداریم

بودند ؟ پس چطور شد که این «قهرمانان» ناگهان ضعیف از آب درآمدند ؟ آیا این نشناختن خود و پر بها دادن بخود نبود ؟ گذشته از این مگر نمیدانستند که در ایران باید در شرایط تعقیب و زندان و شکنجه و مرگ مبارزه کرد ؟ مگر فقط در شرایط فعالیت آزاد میتوان انقلابی بود و زیر فشار ضد انقلابی !؟ پس فرق انقلابی با غیر انقلابی و ضد انقلابی چیست ؟ نه ! ضعف و تسلیم طلبی برای یك انقلابی در هیچ شرایطی توجیه پذیر نیست . یا باید از ادعای انقلابی بودن صرفنظر کرد و یا باید خطر مبارزه انقلابی را تا حدمرگ بجان پذیرفت. نیمه راه وجود ندارد. درست بهمین دلیل است که تظاهرات انقلابی در شرایط آزاد ، ولو آنکه صادقانه هم باشد ، هنوز بیانگر خصلت انقلابی یك فرد نیست . آزمایش لازم است ، آنهم آزمایشهای متعدد در شرایط گوناگون، تا سره از ناسره و انقلابی واقعی از انقلابی مآب و انقلابی موسمی تشخیص داده شود .

ضعف و تسلیم طلبی از جانب هر که باشد محکوم است

برخیها که دچار هیستری ضد توده ای شده اند وقتی دیدند که توجیه ضعف و تسلیم طلبی دوستان مشکل و عملا غیر ممکن است، ضعف و تسلیم عده ای از افراد سابق حزب توده ایران را بمیان کشیدند و خواستند بخیال خود بیك تیر دو نشان بزنند: هم سیاست ضد توده ای خود را حتی با استفاده از ورشکستگی خویش از پیش ببرند و هم ضعف و تسلیم طلبی دوستان را از اهمیت بیاندازند و بپوشانند .

ولی این تلاش بیهوده ای است . حزب ما هرگز در صدد توجیه ضعف و تسلیم افراد خود برنیامده و آنها را بلافاصله از میان صفوف حزب طرد کرده است . ضعف و تسلیم طلبی از جانب هر که باشد و بهر علتی که باشد محکوم است .

همین ضد توده ایهای هیستریك تبلیغ میکنند که گویا حزب ما از ضعف و تسلیم طلبی مخالفان خود خوشحال است و گویا بهمین جهت به این مسئله تکیه میکند . در حالیکه این اتهامی بیش نیست و در واقع کافر همه را به کیش خود پندارد . ما تأکید کرده ایم که از ضعف و تسلیم طلبی مخالفان خود که در اپوزیسیون بوده اند خوشحال نیستیم و نمیتوانیم بود، چون بهرحال این پدیده مورد سوء استفاده رژیم قرار میگیرد و به جبهه ضد رژیم لطمه میزند .

عاقبت انقلابیگری کاذب تسلیم طلبی است

تأکید ما بر روی تسلیم طلبی گروهی از مائوئیستها نه بخاطر شخصیت آنهاست و نه برای آنست که از ضعف مخالفان خود خوشحالیم ، بلکه بعلت عواقب وخیمی است که انقلابیگری کاذب ، یعنی روشی که مائوئیستها و همه گروههای ضد توده ای و ضد شوروی «چپ» در پیش گرفته اند ، برای اپوزیسیون و جنبش بیار میآورد . و تلاش مائوئیستها و همه چپ روان و چپ نمایان ضد توده ای و ضد شوروی برای توجیه ضعف تسلیم طلبان درست بخاطر توجیه همین روش انجام میگیرد و نه بخاطر خود این افراد . چنانکه اکنون با «ابراز نفرتها» و «محکوم کردنها» ی خود میخواهند وانمود کنند که ضعف خود این افراد موجب تسلیم طلبی آنها شده و گرنه سیاستی که آنها دنبال میکردند و اکنون هم توسط دوستان آنها دنبال میشود درست است .

ولی واقعیت اینستکه انقلابیگری کاذب زمینهٔ بمراتب بیشتر و آماده تری برای تسلیم طلبی است . زیرا کسانی که با شعار های چپ روانه و ماجراجویانه با واقعیت بر خورد میکنند ، بویژه وقتی دارای روحیه و خصلت خرده بورژوائی هم باشند، هنگامی که واقعیت را خلاف تصورات و آرزوهای خود می‌بینند یا دچار نومیدی و دلسردی میشوند و دست از مبارزه میشویند و یا گامی فراتر میروند و به قطب دیگر گام میگذارند و بدفاع از رفرمیسم و اوپورتونیسم میپردازند . با اینکه فشار های گوناگون رژیم برای وادار کردن این افراد به تسلیم وجود دارد و مؤثر هم هست ، ولی آمادگی فکری و روحی آنها برای ضعف و تسلیم عامل عمده تری است . چنانکه یکی از آنها هنگام محاکمه کم و بیش مقاومتی کرد و پنجسال هم در زندان بود و سپس راه تسلیم در پیش گرفت و اینك به مبلغ رژیم و بویژه به مبلغ «رهبر انقلاب ایران» تبدیل گردیده است ! انقلابیگری کاذب و تسلیم‌طلبی دارای پیوند درونی هستند، برای آنکه هر دو ، یکی از «چپ» و یکی از راست ، بواقعیت برخورد ذهنی دارند و عمل آنها بناچار ضد انقلابی است .

پرچم نبرد انقلابی را برافراشته نگهداریم

وقتی ما میگفتیم که واقعیت را نباید بمیل خود تفسیر کرد و تغییر داد ، وقتی میگفتیم که برای تغییر این واقعیت باید خود واقعیت وعوامل عینی وذهنی را بحساب آورد، ما را متهم به «اپورتونیسم و رویزیونیسم» میکردند. وحالا تسلیم طلبان که باواقعیت روبرو شده‌اند فکرخود را «منطبق باواقعیت» کرده و «تغییر» داده اند ، متهمادرجهت ضدانقلاب، درجهت رفرمیسم و اپورتونیسم ! ما میگفتیم واقعیت را باید در نظر گرفت برای آنکه بهتر و آسانتر و قاطع تر بتوان آنرا بنفع توده های مردم ، بسود آزادی و استقلال ایران تغییر داد . تسلیم طلبان واقعیت را دیده اند و بتعریف ، توجیه و تحکیم آن پرداخته اند . ما میگفتیم نه انقلابیگری کاذب نه تسلیم طلبی . تسلیم طلبان زمانی انقلابیگر کاذب بودند و حالا تسلیم طلب واقعی . و در هر دو حال هم بما ناسزا گفته اند .

آنچه که در بررسی این پدیده مهم است درست همین غلط بودن سیاست و روش آنها و صحت سیاست و روش حزب ماست .

دنباله از صفحه ۱

ما باز هم هشدار میدهیم

۱۳۴۶) و باز هم میگوئیم که سازمانهای جاسوسی داخلی و خارجی و در رأس آنها «سیا» ، «اینتلیجنت سرویس» و «ساواك» با تمام نیروی خود و با استفاده از تمام امکانات و اشکال و حتی نقاط ضعف افراد و سازمانهای ملی و دموکراتیك میکوشند به داخل این سازمانها نفوذ کنند . آنها دراین کار دو هدف را دنبال میکنند : نخست آنکه از چگونگی فعالیت این سازمانها مطلع شوند و فعالان را بشناسند تا بموقع آنها را تحت فشار قرار دهند . دیگر اینکه بوسیله عوامل خود مستقیم و غیر مستقیم و با استفاده از تمام امکانات ، اشکال و نقاط ضعف فردی وسازمانی در صفوف این سازمانها اختلاف وتفرقه بیندازند ، آنها را از توجه بهدف اصلی خود که برای یك سازمان ملی و دموکراتیك مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است، باز دارند و یا مبارزهٔ آنها را تضعیف کنند و اگر کسانی، تحت هر عنوان و بهر بهانه ای که باشد ، باز هم میکوشند همان سیاست و روش را در مقابل سیاست و روش حزب توده ایران ادامه دهند، ناکامی و ورشکستگی خود را تکمیل میکنند و گور خود را عمیق تر میسازند . تجربه در گذشته آنرا ثابت کرده در آینده باز هم بیشتر ثابت خواهد کرد . اگر به هشدار ما گوش فرا داده نشود ، مسئولیت با خود آنهاست .

از این گونه افراد که بگذریم متأسفانه باید گفت که پدیده دیگری هم بصورت دلسردی و نومیدی و دست کشیدن از مبارزه در عده ای بروز کرده است که بنوبه خود نادرست و زیان بخش است و شاید عواقب آن برای جنبش ، بویژه در بین دانشجویان درطول مدت وخیم‌تر است . چون قصداصلی رژیم بویژه خنثی کردن و عقیم ساختن مبارزه ضدرژیم‌است. ودرست برضدهمین هدف‌شوم و شیطانی رژیم است که باید بمقابله برخاست. این مقابله هم فقط با مبارزه با انقلابیگری کاذب از یکطرف و تسلیم طلبی از طرف دیگر ممکن است و به پیروزی میرسد . باید این حقیقت را یکبار برای همیشه دانست که مبارزه انقلابی راهی بس دشوار، طولانی و بغرنج است . باید دانست که مبارزه انقلابی اشکال بکلی گوناگون و متنوعی دارد . مبارز انقلابی کسی نیست که در لحظه ای تند ترین شعار ها را بدهد . مبارز انقلابی کسی است که بویژه در پیکار خود پیگیر باشد، جسارت را با نرمش توأم کند ، اشکال گوناگون مبارزه را بهم پیوند دهد ، تخیل خود را بجای واقعیت نگذارد و از هرامکانی برای تغییر واقعیت بسود انقلاب استفاده کند. پرچم این نبرد انقلابی را حزب توده ایران برافراشته و یك لحظه هم آنرا فرود نیاورده است . از تجارب زندگی و مبارزه درس بگیریم ، بدور این پرچم گرد آئیم و آنرا افراشته تر بسوی پیروزی انقلاب ایران به پیش ببریم .

م. انوشه

بالاخره سیاست ضد کمونیستی خود را ، که برای آنها در درجه اول اهمیت قرار دارد ، چون منشاء اصلی ضعف این سازمانها خواهد بود ، به این سازمانها تحمیل نمایند .

ما بارها گفته ایم و باز هم میگوئیم که در وضع کنونی متأسفانه بعلت وجود اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی و بروز بیماری چپ روی هم در جنبش کمونیستی هم در سایر جنبش های انقلابی کار سازمان های جاسوسی ساده تر و برعکس کار سازمانهای ملی و دموکراتیك و انقلابی دشوار تر شده است . زیرا اگر زمانی عوامل امپریالیسم و ارتجاع مجبور بودند برای پیش بردن سیاست ضد کمونیستی خود مستقیم و غیر مستقیم از سیاستهای امپریالیستی و ارتجاعی دفاع کنند و کار آنها بعلت بی آبروئی روز افزون امپریالیسم و ارتجاع روز بروز مشکل‌تر میشد و میشود ، اکنون همین عوامل میتوانند خود را حتی «انقلابی» و «کمونیست» جلوه گر سازند ولی همان سیاست قدیمی ضد کمونیستی خود را دنبال کنند . یکی از جنبه‌های فوق العاده خطرناك چپ روی و روش ضد توده ای و ضد شوروی در وضع کنونی همین است ، زیرا شناخت دوست از دشمن ، صادق از نا صادق ، آگاه از نا آگاه مشکل و گاه غیر ممکن میگردد .

در برابر چنین وضعی چه باید کرد ؟ باید وجود چنین خطری را نفی کرد ؟ باید به سازمانهای ملی و دموکراتیك و رهبران آنها بدبین شد ؟ باید از وجود خطر ترسید و دست از مبارزه کشید ؟ بهیچوجه ! بنظرما هیچکدام از این برخورد ها درست نیست . کاری که باید کرد اینستکه باید خطر را دید و شناخت و تمام جوانب آنرا با دقت بررسی کرد . باید در انتخاب هر شعار و روشی قبل از هر چیز هدف اصلی جنبش و مصالح عالیه آنرا در نظر گرفت . باید هشیار بود و چنان بهانه و امکانی و فرصتی برای آنکه دشمن در سیاست ما تأثیر کند و یا از سیاست ما سوء استفاده کند ، بدست نداد .

فقط در چنین صورتی است که میتوان فعالیت دشمن را خنثی کرد ، آب به آسیاب دشمن نریخت و استوار و پیگیر براه خود ادامه‌داد.

این هشیاری بود که ما بهمه دانشجویان به کنفدراسیون و بهمه نیروهای اپوزیسیون ضد رژیم دادیم . ولی هنوز از یاد نرفته است که گروههای چپ رو و چپ نما چه جنجالی علیه ما براه انداختند . چه ناسزا ها گفتند و چه تهمتها زدند . چه نطقها کردند ، چه مقاله ها نوشتند و چه قطعنامه ها صادر کردند . و یکی از این جنجال چی ها و ناسزا گوها و تهمت زنها ، یکی از این نطاقان و مقاله نویسان فیروز فولادی بود !

مسئولیت با کیست ؟

فیروز فولادی مأمور سازمان امنیت‌بود و وظیفه جاسوسی و پلیسی خود را انجام میداد . نقابی که بچهره زده بود فقط وسیله کار او بود . بر او حرجی نیست . سئوال اینستکه چگونه او امکان یافت این نقاب را بچهره بزند وبمقامات مسئولیت‌دار کنفدراسیون

بقیه در صفحه ۷

دنباله از صفحه ۱

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بیست وپنجمین سال تأسیس جمهوری دمکراتیك ویتنام

آن وارد ساخته و میسازند .

قهرمانی بی نظیر ، جانبازی ، از خود گذشتگی و ایستادگی در پیکار و ارادهٔ خلل ناپذیر مردم ویتنام برای نیل به پیروزی نهائی و احیای وحدت خاك میهن خویش مایه الهام وتحسین تمام ترقیخواهان و میهن پرستان جهان است . جامعه ترقیخواه بشری در برابر این قهرمانان جنبش آزادیبخش ضد امپریا- لیستی سر تعظیم فرود میآورد .

امپریالیسم امریکا با خروج بخش ناچیزی از نیروهای عظیم سراپا مسلح خود میکوشد افکار عمومی جهان را بفریبد و خود را هوادار برقراری صلح در ویتنام جلوه دهد. متجاوزین ددمنش امریکائی درلفافه «ویتنامیزه کردن» جنگ در ویتنام جنوبی تجاوز خود را به سراسر خاك ویتنام ادامه میدهند . اکنون نیروهای اشغالگر امریکا دامنهٔ مداخله مسلحانه خود را به کشور بیطرف کامبوج بسط داده اند .

ولی تردید نیست که تجاوز امپریالیسم امریکا در قبال قهرمانی و پیکار عادلانه خلق ویتنام محکوم بشکست حتمی است . پیروزی نهائی با خلق قهرمان ویتنام است . نیرو های امپریالیستی باید گور خود را از خاك ویتنام و از سراسر منطقه هندوچین گم کنند . کشور نیرومند اتحاد شوروی ، تمام کشور های سوسیالیستی و سراسر جامعه ترقیخواه بشری پشتیبان پیکار آزادیبخش مردم ویتنام هستند .

رفقای عزیز ! در این سالروز بزرگ کامیابیهای تازه شما را دریکارمقدس شما علیه امپریالیسم امریکا ، در راه آزادی و احیای وحدت تمام خاك میهن زجر کشیده شما ، در راه تحقق بهترین آرمانهای خلق قهرمان ویتنام صمیمانه آرزو مندیم .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دنباله از صفحه ۶

ما باز هم هشدار میدهیم

برسد و مشیر و مشار گروههای مائو- ئیستی قرار گیرد ؟ جز اینستکه او توانست خود را ضد توده‌ای و ضد شوروی پرحرارتی از «چپ» نشان دهد ، یعنی همان سیاستی که از طرف گروههای مائوئیستی و همهٔ ضد توده ایها و ضد شوروبهای «چپ» دنبال میشود ؟ آیا مسئولیت فراهم کردن این نقاب برای جاسوسان سازمان امنیت با کسانی نیست که از موضع «چپ» سیاست ضد توده ای و ضد شوروی را دنبال میکنند ؟ با کسانی نیست که ماجراجوئی و انقلابیگری کاذب را جانشین سیاست واقعی انقلابی ساخته اند ؟

ما باز هم هشدار میدهیم

ما در گذشته هشدار دادیم که امپریا- لیسم هدف اساسی خود را مبارزه بر ضد اتحاد شوروی قرار داده است و ارتجاع ایران مبارزه بر ضد حزب توده ایران . ما هشدار دادیم که انقلابیگری کاذب به تسلیم طلبی منجر میشود . ما بهمهٔ گروههائی که از «چپ» این سیاست را دنبال میکنند هشدار دادیم که در این سیاست خود تأمل کنید . نگذارید دشمن از این وضع بزیان جنبش ملی و دموکراتیك ایران و از جمله جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون سوء استفاده کند . نگذارید عوامل دشمن از این آب گل آلود ماهی بگیرند و خود را بنام «انقلابی» و «کمونیست» بین شما جا بزنند.

در گذشته واکنش «انقلابیون» باین هشدار ما جنجال ، ناسزا و تهمت بود . این واکنش بنفع دشمن تمام شد چون در جهت تشدید تبلیغات ضد توده ای و ضد شوروی و انقلابیگری کاذب انجام گرفت . ولی زندگی نشان داد که حق با ماست . و اکنون که نقاب از چهره یك عامل دشمن برداشته شده ما هشدار باش خود را تکرار میکنیم :

ترك سیاست ضد توده‌ای و ضدشوروی و چپ روانه — چنین است یکی ازمهمترین وسائل مبارزه بادشمن و جاسوسان وی ، باشد که این هشدار ما این بار دربین عناصر گمراه ولی با حسن نیت گوش شنوائری پیدا کند و نیرو های ملی و دموکراتیك بتوانند با یك سیاست واقعاً انقلابی ، که فقط بر اساس همکاری با حزب توده ایران طرح و تحقق آن ممکن است ، توطئه ها و خرابکاریهای دشمن را افشاء و خنثی کنند و جنبش انقلابی ایران را بسر منزل مقصود برسانند .

م. نوری

هموطنان عزیز !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

«نشریات توده»

با بتقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند ، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد . ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند :

۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده پردازند .

۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود پردازند .

۳) خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمك کنند .

۴) رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند .

۵) کتب زیر تمام شده است از تقاضای ارسال آن خود داری فرمایند :

منتخبات لنین ، دولت و انقلاب ، لودویگ فویرباخ، حق‌مال درتعیین سرنوشت، سخنرانی لنین در دومین کنگره کمونیستهای خاور زمین، گئومات و آخرین دفاع روزبه .

نام نشریه	بها
ماهنامه مردم	۱۰ ریال
مجله دنیا	۴۰ «
مجله مسائل بین المللی	۲۰ «
مانیفست	۴۰ «
سرمایه جزوه ۱ و ۲ و ۳ و ۴	۴۰ «
انقلاب اکتبر و ایران	۸۰ «
برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی	۲۰ «
اصول فلسفه مارکسیسم	۲۰ «
یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی	۴۰ «
هیجدهم برومر لوئی بناپارت	۴۰ «
خان و دیگران	۱۰ «
یادنامه شهیدان	۲۰ «
رژیم ترور و اختناق	۱۰ «
خیانت او بوطنش	۲۰ «
توده ایها در دادگاه نظامی	۲۰ «
الفبای مبارزه	۱۰ «
اسناد کنفرانس مسکو	۲۰ «
گواهی دوستان	—

شماره حساب بانکی پیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر تغییر یافته است :

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

توجه

بزودی کتاب « برخی بررسیها در بارهٔ جهان بینها و جنبشهای اجتماعی در ایران» منتشر خواهد شد .

دفاعیهٔ خسرو روزبه تجدید چاپ خواهد شد .

دنباله از صفحه ٤

درباره ایده‌ئولوژی رسمی هیئت حاکمه ایران

سرمایه داران بزرگ سرمایهٔ خود را در بخش صنعت، بانکداری، بازرگانی ، کشاورزی(در این اواخر) با سرمایه های امپریالیستی در آمیخته‌اند، آنوقت بی محتوی بودن ادعای ناسیونالیسم و استقلال طلبی رژیم بمعنای جدی این کلمات ظاهر میشود . رژیم ایران با هزاران بند به امپریالیسم پیوسته است. شکی نیست که ضعف امپریالیسم و تغییر تناسب نیروها بسود سوسیالیسم ازسوئی و رشد پایگاه‌اقتصادی سرمایه‌داری در ایران از سوی دیگر بر میدان مانور رژیم افزوده و امکاناتی برای اتخاذ یك سیاست مستقل و ملی بوجود آورده است ولی این امر ربطی بسیاست کنونی دولت ندارد .

رژیم‌بااین‌دعاوی سعی داردروشنفکران را شکار کند . در محیطی که سازمان امنیت رژیم و زرق و برق یك سرمایه داری درحال رشد منظره « دوزخ و بهشت» را در قبال عناصرتنگ‌نظر و ترسو میگسترد، «منطق» شاهانه میتواند« تأثیر کند» . این‌یك تأثیربسیار مشروط است «رفورمیسم» رژیم یك ایده‌ئو- لوژی التقاطی ارتجاعی است ولی بشکلی از اشکال میتواند درصفوف‌نهضت دمکراتیك‌نیز رخنه کند لذا نباید به خطر آن کم بها داد. بویژه کسانی که زمانی دید بسیار چپ روانه و غیر واقعی‌از وضع‌ایران‌داشته‌اند درنخستین برخورد‌باواقعیات‌میتوانند بآن‌سمت‌پرتاب شوند و بنظرشان برسد که در واقع تمام تصورات آنها پندار بوده است و حال آنکه تحلیل صحیح انقلابی از هر گونه پندار بافی عاری است و قادراست ایمان‌محکم و پی گیر ایجاد کند .

ا . س

شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

کمیته مرکزی حزب توده ایران !

رفقای عزیز !

بمناسبت پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران بشما و توسط شما بتمام‌اعضای حزب توده ایران شادباش ها و درود های برادرانه خود را تقدیم میداریم .

حزب توده ایران که ادامه گر راه حزب کمونیست ایران است در پرتو شهامت و قهرمانی مجاهدان خود و همهٔ زحمتکشان در راه دموکراسی و استقلال ملی مبارزه کرده و میکند .

حزب توده ایران‌علیرغم تضییقات‌خشن رژیم ارتجاعی علیه صد ها تن از رفقای شما که در تبعید گاهها و زندانها رنج میبرند از مبارزه شجاعانه علیه تسلط امپریالیسم بر کشور شما و علیه رژیم ضد‌دموکراتیك و از مبارزه در راه حاکمیت ملی و آزادیهای دموکرا- تیك و ترقی جامعه دست برنداشته است .

حزب کمونیست ایتالیا بمناسبت پنجاهمین سالگرد حیات شما مراتب همبستگی آکتیو و احساسات برادرانه بیان میدارد و کامیابی دریکار مشترك علیه امپریالیسم، دموکراسی و صلح را برای شما آرزومند است .

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

گواهی دوستان

در بارهٔ کمك های اتحاد شوروی به جنبش های آزادیبخش ملی منتشر شد .

ارزیابی وضع کنونی ایران از لحاظ جنبش

(گفتگوئی با رفقای حزبی ما در کشور)

در هفته های اخیر یکی از رفقا نوشته هائی برای ما ارسال داشته است که ما ضرور میدانیم نظر خود را در بارهٔ آن نوشته ها به سمع شنوندگان گرامی برسانیم، زیرا: اولا این نوشته ها حاکی از یك ارزیابی غیرواقع بینانه از وضع کنونی کشور است و بر پایهٔ این ارزیابی نادرست، نتیجه گیریهائی میشود و شعارهائی داده میشود که بناچار و بنوبهٔ خود نادرست و دور از واقعیت و حتی بالا تر از آن ماجراجویانه است؛ ثانیاً احتمال بسیار میرود که این طرز قضاوت، منعکس کننده نظر تنها فرستنده این نوشته‌ها نباشد، بلکه افراد دیگری نیز بدین شیوه بیاندیشند و در آنصورت زیانهای ناشی از این طرز قضاوت و عملی که ممکن است از آن ناشی گردد، بیشتر میشود. ما وظیفه خود میدانیم که به توضیحات مکرر سابق‌خود در بارهٔ تحلیل وضع کشور، در تأیید و در چارچوب همان تحلیل، توضیحات تازه ای‌را بیافزائیم تا اگر افرادی از روی صداقت و حسن نیت انقلابی دچار گمراهی شده اند بموقع توجه کنند و بدنبال یك سلسله مقدمات غلط، دچار یك سلسله نتیجه گیریهای غلط تر نشوند و بویژه به عملی که ناشی از احساسات شتاب زده باشد کشیده نگردند.

اینك به بینیم رفیق مورد بحث درنوشته های ارسالی‌خویش چه میگوید؟ وی‌مینویسد: «واقعیات عینی حکایت میکند که فعالیت‌توده ها اوج گرفته است. با بهره برداری از این شرایط مناسب عینی، میتوان راه واژگونی رژیم سلطنتی را از هر جهت فراهم کرد.» در توضیح این حکم و نتیجه گیری ناشی از آن رفیق نامبرده مینویسد: «حکومت تدریجاً شایستگی خود را از ادارهٔ کشور با الگوی عوامفریبی و فشار و اختناق، از دست میدهد. این حقیقتی است انکار نشدنی که دیوار سکوت هفده ساله شکسته شده است. شرایط عینی بطرز محسوسی بنفع مردم تغییر کرده است و وضع انقلابی بتدریج فراهم میگردد... حکومت با شیوه های دیرین و ابتکاری خود قادر باداره نیست. زیر دستان نمیخواهند و زبردستان نمیتوانند. اینست شرایط نوین کشور ما.»

در توضیحات دیگر خود رفیق نامبرده تصریح میکند که گویا وضع انقلابی هم‌اکنون بوجود آمده است و شرایط نوین باید موجب تغییر در تاکتیك حزب طبقهٔ کارگر شود و بر آنست که اگر این تغییر تاکتیك رخ‌ندهد میدان برای مبارزات خود بخودی قهر آمیز گشوده خواهد شد.

بدین ترتیب خلاصه کلام رفیق نامبرده آنست که شرایط عینی انقلابی در ایران وجود دارد یا بسرعت پدید میآید و لذا شعار تاکتیکی کنونی ما چنانکه این رفیق تصریح میکند میتواند و باید شعار سرنگونی رژیم باشد و ضرور است که همه فعالیتهای سیاسی و سازمانی ما در این مسیر سیر کند.

مابین این تحلیل که ذکرش گذشت و تحلیل متداول عناصر چپ رو که حزب ما در سالهای اخیر با آن مبارزه میکند تفاوتی از از جهت مضمون نیست. جز آنکه نویسندهٔ نامه مورد بحث نسبت به حزب نظر انکارآمیز چپ روها را ابراز نمیدارد و از موضع یك عضو حزب سخن میگوید و نگرانی اوظاهراً از آنست که مبادا چپ روها یك جریان قهر آمیز خود بخودی پدید آورند و ابتکار تاریخی را بدست گیرند.

پیش از آنکه نظر خود را در بارهٔ نادرستی این تحلیل بیان داریم باید تصریح کنیم که ما نیز معتقدیم که در دوران اخیر بر فعالیت مبارزه جویانه توده‌های مردم ایران بر ضد رژیم بشکل محسوس افزوده شده است. البته ما با نظر نویسندهٔ نامه که با ردیف کردن یکسلسله فاکت های بزرگ و کوچك، جدی و غیر جدی، واقعی و غیر واقعی میکوشد منظره ای از وجود شرایط مساعد عینی جوش و خروش انقلابی برای سرنگونی رژیم پدید آورد موافق‌نیستیم. ولی بررسی همه جانبه وضع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران، سیاست داخلی و خارجی رژیم، زندگی مردم، وضع جنبش و غیره و مطالعه واقعیات اخیر مانند اعتصابها وتظاهرات بوضوح نشان میدهد که بیش از پیش یخ سکوت میشکند، رعب از رژیم ترور واختناق و سازمان امنیت فروکش میکند، ماهیت اقدامات عوامفریبانه و تدابیر ضد توده ای رژیم برملا میگردد و کشور بسوی اعتلاء نوین جنبش میرود ولی ما بین سیر بسوی یك اعتلاء نوین جنبش با خود این اعتلاء و نیز ما بین اعتلاء جنبش و وضع انقلابی تفاوت صریح وجود دارد و تمام اهمیت ودقت مسئله از جهت ارزیابی درست وضع در درك همین تفاوت ها و سایه روشن هاست.

از مشاهده نوشته های مختلف رفیق مورد بحث برمیآید که وی از تحلیل مارکسیستی - لنینیستی وضع انقلابی در جامعه اطلاع کافی و دقیق ندارد و نه فقط کمی اطلاع از تئوری انقلابی، بلکه نوعی بی‌اعتنائی به تئوری انقلابی و پربها دادن به نتیجه گیری های عجولانه و مشاهدات روزمره نیز از خلال این نوشته ها دیده میشود. اگر ما نخواهیم گمراه شویم، اگر نخواهیم به شعار های عوامفریبانه دل به‌بندیم و یا خود به عوام فریبی و گمراه کردن دیگران بپردازیم، وظیفه داریم برخورد جدی به تحلیل علمی و عمیق حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایرانرا هرگز از نظر دور نسازیم و عقل و قضاوت و دید انفرادی خویش را بر عقل و قضاوت جمعی حزب مقدم ندانیم.

تحلیل حزب ما حاکی از آنست که در شرایط کنونی هنوز وضع انقلابی در کشور بوجود نیامده است. مشخصات وضع انقلابی را لنین روشن ساخته است: این مشخصات عبارت است ازبالا رفتن فوق‌العاده و بسابقهٔ فعالیت انقلابی توده ها و آمادگی آنها برای جانبازی در راه هدف انقلابی از سوئی و عجز دستگاه دولتی برای ادارهٔ امور کشور یعنی بروز بحران عمومی درنظام موجود از سوی دیگر. تکجوش‌ها، اقدامات جدا جدای افراد و گروهها، جوش و خروش انقلابی مآبانه عناصر چپ رو، تشدید نوبتی تناقضات گروهبندیهای هیئت حاکمه، با تمام اهمیتی که از جهت تاکتیکی برای حزب طبقهٔ کارگر دارد، هنوز بمعنای وضع انقلابی نیست. البته باید از همه عوامل برای پیشرفت مبارزه توده ها استفاده کرد و از جنبش عقب نماند ولی نباید دچار گمراهی و پربها دادن به عواملی که دارای اهمیت و ارزش محدود هستند شد.

تحلیل حزب ما حاکی از آنست که در شرایط کنونی وظیفه عبارتست از نبرد در راه یك سلسله شعار های تاکتیکی مبرم که مهمترین آنها مبارزه در راه آزادی وحقوق دموکراتیك است.

ما برآنیم که توده ایها باید در فعالیت های صنفی وسندیکائی فعالانه شرکت‌جویند. از مبارزات مطالباتی مردم با از خود - گذشتگی حمایت کنند. مبارزات مطالباتی را بمبارزات سیاسی بدل نمایند. سازمان‌حزب طبقه کارگر را با دقت و حزم فراوان بر اساس عدم تمرکز، تلفیق کار مخفی وعلنی ترجیح کیفیت بر کمیت بوجود آورند، در

دنباله در صفحه ۲

ما به تضییقات رژیم شدیدا معترضیم

با تشدید مبارزات قشرهای مختلف‌مردم میهن ما موج جدید فشار و اختناق هر روز گروههای تازه‌ای‌را دربرمیگیرد. عده‌ای از هنرمندان و نویسندگان مترقی ایران، جمعی از روحانیون و تعداد زیادی از دانشجویان مبارز دانشگاههای تهران از طرف مأموران سازمان امنیت بازداشت و زندانی شده اند.

بقرار اطلاع آیت الله سعیدی که در اردیبهشت ماه امسال بجرم پخش اعلامیهٔ اعتراض علیه سرمایه گذاری انحصارات امریکائی در ایران و تشدیدوابستگی سیاسی و اقتصادی کشور، از طرف سازمان امنیت دستگیر و زندانی شده بود، بر اثر شکنجه های وحشیانه در زندان در گذشته است.

مهندس «نیك داودی» فارغ التحصیل پلی تکنیك نیز که مدتی پیش بازداشت شده بود، مجدداً زیر شکنجه قرار گرفته و در نتیجه در زندان جان سپرده است.

رادیو پیك ایران، ارگان تبلیغاتی حزب توده ایران بموقع به این آدمکشی ها و اقدامات ضد قانونی رژیم اعتراض نموده و از محافل دموکراتیك ایران خواستار افشاء بیش از پیش ماهیت مستبد رژیم شده است.

اکنون ما بار دیگر به جنایات رژیم شدیداً اعتراض نموده و آزادی فوری باز داشت شدگان را طلب میکنیم.

شادروان محمد علی شریفی

بطوریکه در شماره پیشین ماهنامه مردم به اطلاع خوانندگان گرامی رساندیم رفیق محمد علی شریفی از اعضای پرسابقه حزب‌ما پس از مدتی بیماری در هشتادمین سال‌زندگی در تهران در گذشت.

شادروان شریفی از اوان جوانی به جنبش های آزادیخواهانه میهن ما پیوست و سراسر عمر خود را وقف خدمت به‌زحمتکشان ایران و حزب طبقه کارگر نمود. در سال ۱۳۰۱ بعضویت حزب کمونیست درآمد و در سال ۱۳۰۳ روزنامه «پیك» را که هوادار آزادی و دموکراسی بود در رشت منتشر نمود. رفیق فقید پس از تأسیس حزب توده ایران، همواره یکی از فعالین برجسته حزب بود و مسئولیتهای مهمی نظیر مسئولیت کمیته ایالتی گیلان را بر عهده داشت. رفیق شریفی بگناه فعالیت در صفوف حزب کمونیست وسپس حزب توده ایران بارها دستگیر و زندانی شد ولی هرگز از مبارزه در راه دفاع از منافع زحمتکشان دست نکشید و تا پایان زندگی به آرمانهای عالی انسانی خود وفادار ماند.

مرغ طوفان چه کند نم‌نم باران را

نیست شکی که نشد راهسپاران را
بهدف دست، مگر پای فشاران را

آنکه او نیست ز پیمان شکنان، یکدم
نگسلد پیش رقیبان صف یاران را

تو عقابی و تو را چرخ برین شاید
خرش سرد بنه زمرهٔ ماران را

چشم شاهین نشود خیره ز یك دانه
«مرغ طوفان چه کند نم نم باران را»

نه همان در بروی دشمن دون بر بند
راه بر رخنه مده و سوسه کاران را

صد هزار از دل این خلق برون جوشد
گو برنجیر کشد خصم هزاران را

ای پرستو چو زمستان بره باد است
دمبدم تازه کن امید بهاران را

ا س